

نگرشی به مزایا و چالش‌های رسیدگی به اختلاف‌های بین‌المللی در شعب دیوان بین‌المللی دادگستری

ابراهیم بیگزاده*

وحید بذار**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۰

چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند به درخواست طرف‌های اختلاف، یک دعوی ترافیعی را در شعبه خود و با تعداد قضاتی کمتر از قضات دیوان رسیدگی نماید. طبق اساسنامه و آیین دادرسی دیوان، امکان تشکیل سه نوع شعبه در دیوان وجود دارد که علی‌رغم وجوه اشتراک متعدد، تمایزهایی نیز در اشتغالات آنها قابل مشاهده است. این شعب تاکنون چندان مورد استقبال دولت‌های مراجعه‌کننده به دیوان قرار نگرفته‌اند. این مقاله قصد دارد تا پس از تبیین و تشریح انواع شعب در دیوان، ارتباط و تمایز آنها با دیوان و بررسی مزایایی چون تسریع در رسیدگی، کاهش هزینه‌ها و اختیار گسترده طرف‌های اختلاف در ترکیب شعبه و چالش‌هایی چون ایجاد تجزیه یا چندپارگی، فعالیت افراد غیرعضو دیوان در شعبه و تأثیر منفی فشار کاری بر روی قضات دارای وضعیت عضویت هم‌زمان در دیوان و شعبه، به این پرسش پردازد که آیا در مراجعه طرف‌های اختلاف به شعبه دیوان، مزایا و منافی بیش از مراجعه به دیوان برای آنها متصور است یا خیر؟

کلید واژگان:

اختلافات بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، شعبه.

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

ebeigzadeh@hotmail.com

** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

vahidbazzar@gmail.com

مقدمه

برخی از قضایای تحت رسیدگی در دیوان بین‌المللی دادگستری با حضور تمام قضات دیوان استماع نمی‌شوند، بلکه شعبی از دیوان، این مهم را با موافقت طرف‌های اختلاف بر عهده می‌گیرد. این شعب خاص تنها زمانی می‌تواند به قضایا رسیدگی کنند که طرف‌های اختلاف، آن را از دیوان تقاضا کنند.^۱ کمتر بودن تعداد قضات در قضایای تحت رسیدگی در شعبه دیوان نسبت به خود دیوان نباید این تصور را ایجاد کند که این شعب از درجه کارآمدی کمتری نسبت به دیوان برخوردارند. در اغلب اوقات، رئیس و نایب رئیس دیوان، عضو این شعب هستند و همچنین زمانی که این شعب با رویکرد تخصصی و برای رسیدگی به حوزه خاصی از اختلاف (برای مثال در زمینه اختلاف‌های مربوط به محیط‌زیست) تشکیل شوند، می‌توانند حتی کارایی بهتری داشته باشند. شالوده تشکیل شعب در دیوان بین‌المللی دادگستری، در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری ریخته شد. مواد ۲۶ و ۲۷ اساسنامه دیوان دائمی، دو نوع شعبه را پیش‌بینی کرده بود. با این حال، دیوان مزبور در طول حیات خود تنها یک بار و آن هم در قضیه «تفسیر معاهده نولی»^۲ اقدام به تشکیل شعبه کرد.

این مقاله قصد دارد تا به این پرسش بپردازد که آیا در مراجعه به شعب دیوان، منافع و مزایایی بیش از مراجعه به دیوان برای طرف‌ها متصور است؟ لذا برای پاسخ به این پرسش اصلی، باید چند موضوع فرعی از جمله انواع شعب دیوان، ترکیب و نحوه اعضای آن، رابطه شعب با خود دیوان و اعتبار آرای شعب دیوان مورد توجه قرار بگیرند. فرضیه نویسندگان این مقاله این است که علی‌رغم پیش‌بینی اختیارات گسترده برای طرف‌های اختلاف در خصوص مراجعه به شعب دیوان، سابقه مثبت شعب تشکیل شده و سایر مزایایی که در رسیدگی قضایی در شعب متصور است، شعب دیوان مورد کم‌لطفی دولت‌های مراجعه‌کننده به دیوان قرار گرفته‌اند. این مقاله از سه قسمت تشکیل شده است. در بخش اول، به تعریف و تبیین و ذکر انواع شعب در دیوان پرداخته خواهد شد. در بخش دوم ارتباط میان شعبه و دیوان و تمایزهای قواعد رسیدگی در آنها بررسی

1. Statute of the International Court of Justice, art. 26 (3).

2. Interpretation of Judgment No. 3 (Interpretation of Para. 4 of the Annex following Article 179 of the Treaty of Neuilly) (Bulgaria v. Greece), PCIJ, Judgment of 26 March 1925.

می‌گردد و در بخش سوم، چالش‌ها و مزایای رسیدگی در شعب دیوان به طور مبسوط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. شعب دیوان بین‌المللی دادگستری

شعب دیوان بین‌المللی دادگستری با اینکه از سوی دیوان تشکیل می‌شوند، نمی‌توان آنها را مراجعی قلمداد نمود که از جانب دیوان اقدام می‌کنند.^۱ بدین معنا که شعب دیوان، در کارویژه قضایی خود کاملاً مستقل از دیوان عمل می‌نمایند. تاکنون هیچ‌یک از طرف‌های اختلاف حاضر در شعبه دیوان، به اعتبار تصمیمی که در شعبه صادر شده است، تردید نکرده‌اند. برای مثال، در قضیه «اختلاف‌های مرزی میان بورکینافاسو و مالی»^۲ علاوه بر این که طرف‌ها به حکم دیوان که پس از دوازده ماه از شروع درگیری میان آنها صادر شد، تمکین نمودند، مشترکاً بر این نظر بودند که موافقت‌نامه آتش‌بسی که با تلاش «سازمان وحدت آفریقا»^۳ به دست آمده بود، بدون اتخاذ اقدامات تأمینی از سوی شعبه دیوان پایدار نمی‌ماند.^۴ شعب دیوان در سه قالب قابل تشکیل است که در ادامه هر یک به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۵

۱.۱. شعبه خاص^۶

دیوان به منظور تخصصی کردن رسیدگی‌ها می‌تواند شعبه‌های خاصی را مطابق بند اول ماده ۲۶ اساسنامه خود در زمینه‌هایی از جمله ارتباطات و حمل‌ونقل تشکیل دهد. به نظر می‌رسد که تأکید دیوان در خصوص تشکیل شعب خاص در برخی زمینه‌ها، به دلیل اهمیت این عرصه‌ها و لزوم رسیدگی تخصصی در آنها بوده است و بدیهی است که تشخیص این اهمیت و لزوم با خود دیوان است. شعبه خاص می‌تواند از سه قاضی یا بیشتر تشکیل شود. این افراد از میان قضات

1. Zimmermann, Andreas and Oellers-Frahm, Karin and Tomuschat, Christian and Tams, Christian J. *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, Oxford University Press, 2012, p. 476.

2. Frontier Dispute (Burkina Faso/Republic of Mali), I.C.J. Reports 1986.

3. Organization for African Unity.

این سازمان از سال ۲۰۰۰ میلادی به «اتحادیه آفریقا» (African Union) تغییر نام داد.

4. Cassese, Antonio. *The International Court of Justice and the right of peoples to self-determination*, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings, Cambridge University Press, 1996, p. 384.

۵. بیگزاده، ابراهیم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۹۴، ص ۴۰۱.

6. Special Chamber.

دیوان و با توجه به دارا بودن دانش خاص و تخصص و تجربه در زمینه اختلاف‌هایی که شعبه به منظور رسیدگی به آن تشکیل شده است، انتخاب خواهند شد.^۱

دیوان تا سال ۱۹۹۳ هیچ شعبه خاصی ایجاد نکرده بود. تا اینکه در این سال، در پاسخ به توجه فزاینده جامعه بین‌المللی نسبت به مسائل زیست‌محیطی تصمیم به ایجاد شعبه‌ای خاص برای رسیدگی به اختلاف‌های ناشی از این موضوع گرفت. دلیل ایجاد شعبه مزبور، توسعه حقوق محیط‌زیست و لزوم شناخت دقیق‌تر آن برای قضاوت بهتر بود.^۲ دیوان هفت نفر از قضات خود را به عنوان اعضای این شعبه منصوب کرد. در ترکیب نخستین این شعبه، برخلاف ماده ۱۸ آیین دادرسی دیوان، هیچ‌یک از رئیس و نایب رئیس دیوان، حضور نداشتند.^۳ با اینکه دیوان هر سال این شعبه را تشکیل می‌داد، هیچ پرونده‌ای در این شعبه مطرح نشد. این عمدتاً بدین سبب است که اغلب اختلاف‌های زیست‌محیطی به قضاوت بین‌المللی سپرده نمی‌شوند و اکثر معاهدات چندجانبه زیست‌محیطی، طرف‌های خود را در ارجاع اختلاف به داوری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری آزاد می‌گذارند.^۴ سرانجام پس از سیزده سال از ایجاد این شعبه، دیوان در سال ۲۰۰۶ تصمیم گرفت تا به حیات این شعبه پایان دهد. این تصمیم به دلیل عدم تمایل دولت‌ها در ارجاع اختلاف به این شعبه اتخاذ شد و نه به این دلیل که مسائل زیست‌محیطی دیگر نیازی به توجه خاص دیوان نداشت.^۵

۱.۲. شعبه اختصاری^۶

شعبه اختصاری دیوان، بر اساس ماده ۲۹ اساسنامه و ماده ۱۵ آیین دادرسی دیوان ایجاد می‌شود و همان‌طور که از نامش پیداست، به منظور سرعت بخشیدن به رسیدگی قضایی تشکیل

1. Rules of International Court of Justice (1978), art. 16 (2).

۲. بیگزاده، ابراهیم، پیشین، ص ۴۰۲.

3. Rosenne, Shabtai. *The President of the International Court of Justice, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996, p. 422.

4. Aust, Anthony. *Handbook of International Law*, Cambridge University Press, 2010, p. 415.

5. Jervan, Marte. *The Prohibition of Transboundary Environmental Harm. An Analysis of the Contribution of the International Court of Justice to the Development of the No-harm Rule*, PluriCourts Research, 2014, Paper No. 14-17, pp. 10,11.

6. Summary Chamber.

می‌شود. شعبه اختصاری پنج قاضی دارد. رئیس دیوان و نایب رئیس دیوان، دو عضو ثابت این شعبه هستند و سه عضو دیگر از میان قضات دیوان و از طریق انتخابات تعیین می‌شود. همچنین دو قاضی علی‌البدل نیز تعیین می‌شود تا در صورت معذوریت هر یک از پنج قاضی، جایگزین آنها شود. شعبه اختصاری به‌طور سالیانه تشکیل می‌شود و انتخاب قضات فعلی، در دوره بعدی (سال بعد) نیز ممکن است.^۱ همان‌طور که قاضی «چنینگز»^۲ در سال ۱۹۹۱ میلادی پیش‌بینی کرده بود، دولت‌های طرف اختلاف در ارجاع پرونده به شعبه اختصاری چندان تمایلی نداشتند و این شعبه تنها یک بار و در زمان فعالیت دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، در قضیه «تفسیر معاهده نولی» تشکیل شد. این تنها شعبه دیوان بود که با تعداد سه قاضی به یک قضیه رسیدگی کرد.^۳ دلیل احتمالی بی‌توجهی به شعبه اختصاری، ترس دولت‌ها از این تصور اشتباه بود که در رسیدگی اختصاری توجه لازم و کافی به همه ابعاد قضیه نخواهد شد و این تصور عمدتاً به سبب عدم آشنایی با چنین رسیدگی‌هایی است.^۴

۱.۳. شعبه ویژه^۵

شعبه ویژه، شعبه‌ای از دیوان است که به منظور رسیدگی به یک قضیه یا اختلاف خاص تشکیل می‌شود. نخستین درخواست رسیدگی در شعبه ویژه در سال ۱۹۸۲ در قضیه «تحدید حدود مرز دریایی در خلیج مین» مطرح شد و پس از آن، شعبه ویژه دیوان در چهار قضیه دیگر به کار گرفته شد.^۶ البته شعبه ویژه دیوان یک بار دیگر هم در سال ۲۰۰۲ برای رسیدگی به امکان بازنگری رأی صادره در قضیه «اختلاف مرز دریایی و سرزمینی میان السالوادور و

1. Rules of International Court of Justice (1978), art. 15.

2. Jennings.

3. Spiermann, Ole. *International Legal Argument in the Permanent Court of International Justice: The Rise of the International Judiciary*, Cambridge University Press, 2004, p. 227.

4. Zyberi, Gentian. "Taking Rights Seriously Time for Establishing a Human Rights and Humanitarian Issues Chamber at the International Court of Justice", *Journal of Human Rights and Policy*, 2008, p. 119.

5. *ad hoc* chamber.

۶. این چهار قضیه عبارت‌اند از: قضیه «اختلاف مرزی میان بورکینافاسو و مالی» (۱۹۸۶)، قضیه «الزی» (ایالات متحده علیه ایتالیا (۱۹۸۹))، قضیه اختلاف مرزی، خشکی، جزیره ای و دریایی میان السالوادور و هندوراس (۱۹۹۲) و قضیه «اختلاف مرزی میان بنین علیه نیجر» (۲۰۰۵).

هندوراس» تشکیل شد.^۱ با اینکه تعداد قضاات شعب ویژه، با توافق طرف‌ها و از سوی دیوان تعیین می‌شود، تا این زمان، تمامی شعب ویژه دیوان با پنج قاضی تشکیل شده‌اند.^۲ درخواست طرف‌های اختلاف در خصوص تشکیل شعبه ویژه می‌تواند تا پایان مرحله رسیدگی کتبی به دیوان ارائه شود.^۳ بنابراین، در تمامی مواردی که تاکنون شعبه ویژه تشکیل شده است، این درخواست به هنگام طرح دعوا به دیوان ارائه شده است.^۴ این قید در برخی موارد گره از مشکل طرف‌های حاضر در دیوان خواهد گشود. برای مثال، اگر به علت غیبت قضاات دیوان و نرسیدن تعداد قضاات به حدنصاب تشکیل جلسه (نه نفر)،^۵ دیوان نتواند به وظایف خود عمل کند، طرف‌ها می‌توانند با انعقاد یک موافقت‌نامه دوجانبه از دیوان درخواست کنند تا پرونده را برای رسیدگی به یک شعبه ویژه ارجاع دهد.^۶ شعبه ویژه صرفاً با درخواست طرف‌های اختلاف تشکیل می‌شود. اما، امکان تشکیل شعبه ویژه به درخواست یکی از طرف‌های اختلاف نیز متصور است. طبق بند نخست ماده ۱۷ آیین دادرسی دیوان، اگر تشکیل شعبه ویژه از سوی یکی از طرف‌های اختلاف درخواست شود، رئیس دیوان، نظر طرف دیگر را در این خصوص جویا خواهد شد و اگر طرف مقابل رضایت خود را اعلام کند، رئیس دیوان، شعبه ویژه را تشکیل خواهد داد. برای مثال، در قضیه «الزی» ایالات متحده آمریکا در تاریخ ششم فوریه ۱۹۸۷ به‌طور یکجانبه از دیوان تشکیل یک شعبه را تقاضا کرد و یک هفته بعد از آن، دولت ایتالیا پیشنهاد ارائه شده از سوی آمریکا را با ارسال نامه‌ای به دیوان پذیرفت.^۷ در مورد دیگری که در سال ۲۰۱۰ میلادی روی داد، دولت خوانده (سوئیس) پیشنهاد دولت خواهان (بلژیک) در خصوص تشکیل یک شعبه ویژه در دیوان به منظور رسیدگی به اختلاف موجود میان آنها را نپذیرفت.^۸

1. Zyberi, Gentian. Ibid., p. 116.

2. Mackenzie, Ruth and Romano, Cesare P. R. and Shany, Yuval and Sands, Philippe. *Manual on International Courts and Tribunals*, Oxford University Press, 2010, p. 10.

3. Rules of International Court of Justice (1978), art. 17 (1).

4. Zimmermann, Andreas and others. Ibid., p. 479.

5. Statute of the International Court of Justice, art. 25 (3).

6. Talmon, Stefan. 2012, "The Absent Judge: A Commentary on Article 23 ICJ Statute", *Bonn Research Papers on Public International Law*, Paper No. 1, p. 23.

7. Zimmermann, Andreas. "Ad Hoc Chambers of the International Court of Justice", *Penn State International Law Review*, 1989, Vol. 8, No. 1, Article. 2, p. 9.

8. Quintana, Juan José. *Litigation at the International Court of Justice: Practice and Procedure*, Koninklijke Brill NV, 2015, p. 1187.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر یکی از طرف‌های اختلاف، درخواست تفسیر^۱ یا بازنگری^۲ (موضوع مواد ۶۰ و ۶۱ اساسنامه) رأی صادره از سوی شعبه دیوان را داشته باشد، آیا رسیدگی به این درخواست لزوماً در شعبه و با حضور همان قضاات صادرکننده رأی اصلی انجام خواهد شد؟ بر اساس بند نخست ماده ۱۰۰ آیین دادرسی دیوان، هر گاه حکمی که از آن درخواست اعاده دادرسی شده است از شعبه دیوان صادر شده باشد، بررسی این تقاضا نیز در «همان شعبه»^۳ انجام خواهد شد. معنی عبارت «همان شعبه» در مقررۀ مزبور، کاملاً روشن نیست. درست است که قضاات صادرکننده رأی در مقایسه با سایر قضاات در موقعیت بهتری برای رسیدگی به چنین درخواستی قرار دارند، اما به دلیل فاصله زمانی طولانی که برخی اوقات ایجاد می‌شود، امکان آن در عمل تقریباً غیرممکن است. با توجه به قید مرور زمان ده‌ساله در اساسنامه دیوان^۴ می‌توان به‌طور قطع گفت که همان ترکیب شعبه صادرکننده رأی، مدنظر تنظیم‌کنندگان ماده ۱۰۰ آیین دادرسی دیوان نبوده است. رویه دیوان نیز تأییدکننده این نتیجه‌گیری است. دیوان در درخواست بازنگری از رأی شعبه دیوان در قضیه «اختلاف مرز دریایی و سرزمینی میان السالوادور و هندوراس» با نظر طرف‌های اختلاف در خصوص رسیدگی مجدد به قضیه در شعبه دیوان موافقت کرد و شعبه‌ای پنج نفره تشکیل داد. اما، ترکیب قضاات شعبه جدید، همان ترکیب قضاات شعبه قبلی نبود.^۵ بنابراین، همان‌طور که در رویه عملی دیوان مشاهده می‌گردد، درخواست اعاده دادرسی از رأی شعبه دیوان لزوماً به‌وسیله شعبه دیوان بررسی نخواهد شد. حتی در زمان فعالیت دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، یعنی زمانی که حکم ماده ۱۰۰ آیین دادرسی فعلی وجود نداشت، هنگامی که چنین درخواستی از رأی صادره از شعبه دیوان در قضیه «تفسیر معاهده نولی» مطرح شد نیز این درخواست در شعبه دیوان بررسی و درباره آن تصمیم‌گیری شد.^۶

1. Interpretation

2. Revision.

3. that Chamber.

4. Statute of the International Court of Justice, art. 61 (5).

5. Crook, John R. "The 2002 Judicial Activity of the International Court of Justice", *The American Journal of International Law*, 2003, Vol. 47, No. 2, pp. 358,359.

6 . Zimmermann, Andreas. *Ibid.*, p. 2.

۱.۴. ترکیب شعب دیوان بین‌المللی دادگستری

بر اساس ماده ۱۷ آیین دادرسی دیوان، رئیس دیوان نظر طرف‌های اختلاف را در خصوص «ترکیب شعبه»^۱ جویا خواهد شد و آن نظرها را به دیوان گزارش خواهد کرد.^۲ این در حالی است که در اساسنامه دیوان، از امکان نظرخواهی از طرف‌های اختلاف در خصوص «تعداد قضات»^۳ شعبه سخن به میان آمده بود.^۴ آنچه که امروزه در عمل اتفاق می‌افتد، این است که قبل از اینکه طرف‌های اختلاف ملاقاتی با رئیس دیوان داشته باشند، در مورد فهرستی از اسامی قضات که تمایل دارند تا رسیدگی را به آنها بسپارند، به رایزنی می‌پردازند^۵ و در نتیجه به وسیله موافقت‌نامه‌ای که میان خود منعقد می‌کنند، توافق می‌کنند تا رسیدگی به قضیه را به شعبه دیوان محول کنند. برای مثال، طرف‌های اختلاف در قضیه «اختلاف مرزی میان بنین و نیجر» و قضیه «خلیج مین» چنین موافقت‌نامه‌ای را منعقد نمودند. البته، برای مراجعه به شعبه دیوان، همیشه یک موافقت‌نامه دوجانبه منعقد نمی‌شود. در قضیه «اختلاف مرزی میان بورکینافاسو و مالی»، طرف‌ها با ارائه نامه‌ای مشترک^۶ به دیوان از آن تقاضا کردند تا یک شعبه ویژه برای رسیدگی به اختلاف میان آنها تشکیل دهد.^۷

قضات شعبه از طریق رأی‌گیری در دیوان انتخاب می‌شوند.^۸ در خصوص تعیین رئیس شعبه دیوان حالت‌های مختلفی امکان‌پذیر است. در موارد عدم عضویت رئیس یا نایب رئیس دیوان در شعبه، رئیس شعبه از طریق رأی مخفی اکثریت اعضای شعبه تعیین می‌شود و در صورتی که رئیس یا نایب رئیس دیوان، عضو شعبه باشد، یکی از آنها وظیفه ریاست بر شعبه را بر عهده

1. Composition of the Chamber.

2. Rules of International Court of Justice (1978), art. 17 (1).

3. Number of Judges.

4. Statute of the International Court of Justice, art. 26 (2).

5. Wellense, Karel. *Negotiations in the Case Law of the International Court of Justice-A Functional Analysis*, Ashgate Publishing Limited, 2014, p. 158.

۶. اگر چه توافق میان بورکینافاسو و مالی به لحاظ شکلی، یک نامه است، اما به لحاظ ماهیت حقوقی یک موافقت‌نامه بین‌المللی محسوب می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صلاحیتی خود در قضیه قطر و بحرین، پس از تلقی یک صورتجلسه به عنوان معاهده بین‌المللی، صلاحیت خود را بر اساس آن احراز نمود. قبل از آن هم، دیوان در قضیه «تحدید حدود فلات قاره دریای اژه»، در مورد یک بیانیه مشترک، نظر مشابهی ابراز کرده بود.

7. Moore, Andrew F. "Ad Hoc Chambers of the International Court and the Question of Intervention", *Case Western Reserve Journal of International Law*, 1992, Vol. 24, Issue. 3, p. 680.

8. Rules of International Court of Justice (1978), art. 18(1).

خواهد گرفت^۱ و همانند سایر قضات شعبه، حتی اگر دوره قضاوت او در دیوان پایان یابد نیز کماکان به ریاست خود در شعبه ادامه خواهد داد.^۲ البته، این مورد در قضیه «اختلاف مرزی میان بنین و نیجر» رعایت نشد. در این قضیه، قاضی «گیوم»^۳ که در ابتدای تشکیل شعبه، ریاست آن را بر عهده داشت (او رئیس وقت دیوان نیز بود)، پس از پایان دوره زمانی حضور خود در دیوان به فعالیت خود در شعبه دیوان نیز ادامه نداد و قاضی «آبراهام»^۴ جایگزین او در شعبه دیوان شد و ریاست شعبه نیز به قاضی «رانجوا»^۵ سپرده شد.^۶ اگر همان‌گونه که در قضیه «اختلاف مرز دریایی و سرزمینی میان السالوادور و هندوراس» اتفاق افتاد، پس از تشکیل شعبه دیوان، قضات آن به عنوان رئیس یا نایب رئیس دیوان انتخاب شوند، این اتفاق تأثیری بر ترکیب قضات شعبه نخواهد داشت. در حالتی خاص، اگر شعبه دیوان، رئیس خود را که اتفاقاً رئیس دیوان نیز می‌باشد، به سبب فوت از دست بدهد، شعبه دیوان، رئیس دیگری را انتخاب نخواهد کرد. پس از مرگ رئیس شعبه دیوان در قضیه «الزی» (قاضی «سینگ»)^۷، دیوان رئیس جدید خود (قاضی «رود»)^۸ را به عنوان رئیس شعبه مزبور انتخاب کرد. تنها محدودیتی که در خصوص انتخاب رئیس شعبه دیوان وجود دارد، این است که اگر رئیس شعبه، تبعه یکی از طرف‌های اختلاف باشد، وظایف ریاست را قاضی دیگری بر عهده خواهد گرفت.^۹

۱.۵. امکان استفاده از قاضی اختصاصی در شعب دیوان بین‌المللی دادگستری

طبق بند ۴ ماده ۳۱ اساسنامه دیوان، مباحث مربوط به تعیین قاضی اختصاصی، در شعب دیوان نیز لازم‌الرعايه است. همچنین مانند خود دیوان، طرف‌های اختلاف مطروح در شعبه دیوان الزامی ندارند تا صرفاً شخص متبوع خود را به عنوان قاضی اختصاصی معرفی کنند. تنها در یک مورد، قواعد مربوط به استفاده از قاضی اختصاصی در دیوان با این قواعد در شعب آن متفاوت

1. Ibid., art. 18(2).

2. Ibid., arts. 17(4), 18(2).

3. Guillaume.

4. Abraham.

5. Ranjeva.

6. Mathias, Stephen. "The 2005 Judicial Activity of the International Court of Justice", *The American Journal of International Law*, 2006, Vol. 100, No. 3, p. 634.

7. Nagendra Singh.

8. Ruda.

9. Rules of International Court of Justice (1978), art. 32(1).

است. بدین شرح که قاضی اختصاصی معرفی شده به دیوان به قضات دیوان اضافه می‌شود و در نتیجه ممکن است تعداد قضات رسیدگی‌کننده در دیوان به هفده نفر برسد. ولی معرفی قاضی اختصاصی از سوی طرف‌های اختلاف، هرگز تغییری در تعداد قضات شعبه ایجاد نخواهد کرد. بدین ترتیب که پس از معرفی قاضی اختصاصی از سوی طرف‌ها، ابتدا رئیس شعبه از قضات شعبه درخواست می‌کند که به‌طور ارادی جای خود را به قاضی اختصاصی بدهند و در صورت فقدان داوطلب، قاضی اختصاصی جایگزین قاضی شعبه می‌شود.^۱ همچنین، برخلاف رویه‌ای که در دادرسی دیوان رعایت می‌شود، معرفی و تعیین قاضی اختصاصی طرف‌ها در شعبه دیوان، به‌طور رسمی در قرار صادره دیوان در خصوص تشکیل شعبه ذکر خواهد شد.^۲

قید جایگزینی قاضی اختصاصی به جای قضات اصلی شعبه می‌تواند شعبه را با وضعیتی عجیب مواجه سازد. فرض کنید که دیوان با توافق طرف‌های اختلاف در خصوص تشکیل یک شعبه ویژه سه نفره موافقت نماید و قاضی متبوع هیچ‌یک از طرف‌ها در دیوان حضور نداشته باشد. در این صورت هریک از طرف‌های اختلاف مجازند تا یک قاضی اختصاصی برای حضور در شعبه دیوان معرفی کنند و از آن‌جایی که قاضی اختصاصی طرف‌ها جایگزین قضات اصلی شعبه می‌شوند، ممکن است شعبه‌ای از دیوان تشکیل گردد که اکثریت قضات آن، قاضی دیوان نباشند! اگر در چنین شعبه‌ای فرض کنیم که تنها قاضی عضو دیوان نیز مدت مأموریتش در دیوان به پایان رسیده است و بر طبق بند ۴ ماده ۱۷ آیین دادرسی دیوان کماکان به عنوان عضو شعبه فعالیت می‌کند، شعبه‌ای از دیوان را خواهیم داشت که هیچ‌یک از قضات آن، قاضی دیوان نیستند! نکته قابل توجه این است که قاضی اختصاصی در شعبه دیوان، برخلاف سایر قضات شعبه در برخی تصمیم‌گیری‌ها در خصوص رسیدگی در شعبه هیچ نقشی ندارد. برای مثال، قاضی اختصاصی شعبه در تصمیمی که دیوان در خصوص تشکیل شعبه، تعیین بازه زمانی دفاعیات هریک از طرف‌ها و پرکردن یک یا چند صندلی خالی در شعبه می‌گیرد، هیچ نقشی ندارد.^۵

1. Statute of the International Court of Justice, art. 31 (4).
2. Zimmermann, Andreas and others. Ibid., p. 486.
3. Valencia-Ospina, Eduardo. Ibid., p. 516.
4. Mathias, Stephen. Ibid., p. 637.
5. Zimmermann, Andreas and others. Ibid., p. 486.

۲. ارتباط دیوان بین‌المللی دادگستری با شعب خود و تمایزهای میان قواعد رسیدگی در هر یک از آنها

با توجه به این واقعیت که رضایت طرف‌های اختلاف، شرط ضروری استفاده از شعب دیوان است، بدون شک مبنای تشکیل شعب دیوان، توزیع وظایف و کارهای سنگین و فشرده دیوان و سبک‌تر شدن حجم آنها نبوده است.^۱ طبق اساسنامه دیوان، هر حکمی که از سوی شعب مذکور در مواد ۲۶ و ۲۹ دیوان صادر می‌شود، به منزله رأی صادره از دیوان قلمداد خواهد شد.^۲ بنابراین، تمامی الزامات و آثاری که از رأی دیوان ناشی می‌شود، در خصوص رأی شعبه دیوان نیز وجود دارد. برای مثال، رأی صادره از شعبه دیوان، تنها نسبت به طرف‌های اختلاف و در موردی که موضوع حکم بوده، الزام‌آور است^۳ یا اینکه آرای شعب دیوان، قطعی و غیرقابل استیناف است^۴ و یا اینکه هر یک از طرف‌های اختلاف در صورت عدم اجرای رأی شعبه می‌تواند به شورای امنیت مراجعه کند.^۵

ارتباط شعبه دیوان با خود دیوان در زمانی که یک قضیه برای رسیدگی در شعبه مطرح می‌شود، لزوماً قطع نخواهد شد و دیوان می‌تواند حتی زمانی که شعبه در حال رسیدگی است، در خصوص برخی موضوع‌های مربوط به شعبه تصمیم‌گیری نماید. برای مثال، هنگامی که به هر علت کرسی‌های شعبه خالی بماند، دیوان به منظور پرکردن آنها اقدام به رأی‌گیری می‌کند^۶ و قضات منتخب را با صدور قراری به عضویت شعبه منصوب می‌نماید^۷ یا هنگامی که دیوان بخواهد در خصوص تعیین بازه زمانی ارائه دفاعیات از سوی طرف‌ها، تصمیم بگیرد، اگر شعبه دیوان در آن زمان تشکیل شده باشد، این تصمیم پس از مشورت با شعبه دیوان اتخاذ خواهد شد.^۸ همچنین ممکن است در طی رسیدگی به یک قضیه در شعبه دیوان، دولت ثالثی از دیوان درخواست ورود به قضیه را بنماید، همان‌گونه که دولت نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۹ از دیوان خواست تا در قضیه تحت بررسی در شعبه دیوان (قضیه «اختلاف مرز دریایی و سرزمینی میان

1. Zimmermann, Andreas and others. *Ibid.*, p. 477.

2. Statute of the International Court of Justice, art. 27.

3. Charter of United Nations, art. 59.

4. Statute of the International Court of Justice, art. 60.

5. The Charter of United Nations, art. 94(2).

6. Rules of International Court of Justice (1978), art. 18 (1).

7. Fitzmaurice, Malgosia. *Environmental protection and the International Court of Justice*, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings, Cambridge University Press, 1996, p. 307.

8. Rules of International Court of Justice (1978), art. 92 (1).

إسالوادور و هندوراس») به عنوان ثالث ورود کند.^۱ قاضی «ادا»^۲ در بیانیه خود که به ضمیمه قرار دیوان در خصوص تشکیل شعبه برای رسیدگی به اختلاف میان إسالوادور و هندوراس، صادر کرد، خاطر نشان نمود که «شعبه دیوان بخشی از دیوان است که ملزم به رعایت اساسنامه و آیین دادرسی دیوان است.»^۳ ماده ۹۰ آیین دادرسی دیوان نیز مقرر می‌دارد که مقررات بخش نخست تا سوم آیین دادرسی دیوان یعنی از ماده ۱ تا ۱۰۱ که در رسیدگی به دعاوی ترافعی در دیوان به کار می‌رود، در آیین رسیدگی در شعب دیوان که بر اساس مواد ۲۶ و ۲۹ اساسنامه تشکیل می‌شوند نیز اعمال خواهند شد. در قضیه «اختلاف مرز دریایی و سرزمینی میان إسالوادور و هندوراس»، دیوان تصریح می‌کند که درخواست ورود نیکاراگوئه به عنوان ثالث^۴ باید در شعبه دیوان بررسی شود؛ زیرا پس از آنکه شعبه دیوان تشکیل شد، شعبه دیوان، همان دیوان است نه یک نماینده یا تابع دیوان که باید تحت نظر دیوان عمل کند.^۵ به عبارت دیگر، شعبه دیوان و قضات آن دارای تمامی اختیارات دیوان و قضات آن هستند.

رسیدگی در شعب دیوان و اختیارات قضات آن به لحاظ قواعد رسیدگی غیر از سه موردی که در ادامه ذکر خواهد شد، هیچ تمایزی با رسیدگی در دیوان و اختیارات قضات آن ندارد. یعنی برای مثال، شعبه دیوان می‌تواند دستور موقت صادر کند (همان‌گونه که شعبه دیوان در قضیه «اختلاف مرزی میان بورکینافاسو و مالی» عمل کرد)، یا قاضی شعبه می‌تواند نظر اختصاصی

1. Zimmermann, Andreas and others. Ibid., p. 1222.

2. Oda.

3. Mathias, Stephen. Ibid., p. 637.

۴. دولت نیکاراگوئه از دیوان خواسته بود تا به منظور بررسی درخواست ورود آن به عنوان ثالث به دعوا، شعبه جدیدی تشکیل دهد. نیکاراگوئه مدعی بود که بررسی درخواست آن در شعبه‌ای که به وسیله دو دولت (إسالوادور و هندوراس) از سه دولت ساحلی خلیج فونسیکا (Fonseca) تشکیل شده بود می‌تواند به «لزوم برابری نیکاراگوئه در مقابل دو دولت دیگر حاضر در شعبه» لطمه وارد آورد. دیوان در نهایت همان شعبه قبلی را برای اظهار نظر در خصوص ورود نیکاراگوئه مناسب تشخیص داد (Moore, Andrew F. Ibid., p. 670). در پاسخ به ادعای نیکاراگوئه باید گفت که تمامی قضات دیوان مکلف به ادای سوگند و پایبند به استقلال و بی‌طرفی هستند، حتی اگر به انتخاب طرف‌های دعوا یا به عنوان قاضی اختصاصی آن‌ها در دیوان حضور داشته باشند. قضات اختصاصی طرف‌های اختلاف، وکیل مدافع آن‌ها نیستند، بلکه فقط تلاش می‌کنند تا دیوان به دلایل مهم و تأثیرگذار دولت انتخاب‌کننده آن‌ها توجه نماید. جالب توجه است که در قضیه مذکور، قاضی «والتیوس» به عنوان قاضی اختصاصی إسالوادور به نفع کشور انتخاب‌کننده خود رأی نداد (تی یری، هوبر، **قاضی ویژه در دیوان بین‌المللی دادگستری**، ترجمه: ابراهیم بیگ‌زاده، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۸۳، شماره ۳۰، ص ۷۷-۷۹).

5. Cassese, Antonio. Ibid., p. 369.

خود را به رأی شعبه ضمیمه نماید.^۱ نخستین تمایزی که میان رسیدگی دیوان و رسیدگی در شعبه دیوان وجود دارد، این است که شعبه دیوان تنها می‌تواند به قضایای ترافعی رسیدگی کند و نمی‌توان از شعبه دیوان درخواست صدور نظریه مشورتی کرد. دومین تمایز این است که در شعبه دیوان، نایب‌رئیس وجود ندارد و در صورت معذوریت رئیس دیوان، وظایف او بر عهده قاضی ارشد حاضر در شعبه (قدیمی‌ترین قاضی دیوان که در شعبه حضور دارد) خواهد بود،^۲ در حالی که در دیوان، تنها در صورت معذوریت هم‌زمان رئیس و نایب‌رئیس، قاضی ارشد دیوان وظایف ریاست را بر عهده خواهد گرفت.^۳ سومین مورد، تعیین بازه زمانی ارائه دفاعیات طرف‌های اختلاف است که هم در دیوان و هم در شعبه آن، به وسیله دیوان معین می‌شود.^۴

۳. مزایا و چالش‌های استفاده از شعب در دیوان بین‌المللی دادگستری

۳.۱. مزایای استفاده از شعب در دیوان بین‌المللی دادگستری

طبق بند ۲ ماده ۱۷ آیین دادرسی دیوان (۱۹۷۸)، پس از توافق طرف‌های دعوا بر رسیدگی اختلاف در شعبه دیوان و پیش از انتخاب قضات آن، رئیس دیوان نظرات طرف‌های اختلاف را در خصوص ترکیب شعبه دیوان جویا خواهد شد. این امر دیوان را قادر می‌سازد تا با حفظ اختیارات خود در ایجاد شعبه، هر چه بیشتر خود را به نظرات و خواسته‌های طرف‌های اختلاف نزدیک سازد.^۵ در عمل نیز دیوان از خواسته‌های طرف‌های دعوا در خصوص انتخاب قضات شعبه پیروی می‌کند، با اینکه در این خصوص هیچ الزامی ندارد.^۶ استفاده از شعبه دیوان هزینه‌های رسیدگی را کاهش می‌دهد. این کاهش هزینه در مقایسه با خود دیوان، غالباً اندک و صرفاً به دلیل سرعت رسیدگی در شعب است، اما در مقایسه با نهاد داور، با توجه به دستمزد داوران، هزینه‌های مربوط به مکان رسیدگی، امور دبیرخانه، بایگانی اسناد و سایر موارد، چشمگیر

1. Gray, Christine. "The Use and Abuse of the International Court of Justice: Cases concerning the Use of Force after Nicaragua", *The European Journal of International Law*, 2003, No. 14, pp. 895,896.

2. Rules of International Court of Justice (1978), art. 18 (4).

3. Statute of the International Court of Justice, art. 45.

4. Rules of International Court of Justice (1978), art. 92 (1).

5. Abi-Saab, Georges. *The ICJ as a World Court, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996, p. 9.

6. Fitzmaurice, Malgosia. *Ibid.*, pp. 306,307.

و قابل ملاحظه خواهد بود. این مسئله به‌طور آشکار در قضیه «کانال بیگل»^۱ قابل مشاهده است. در قضیه مزبور که بررسی یک مجموعه اختلاف‌های مرزی میان دولت‌های آرژانتین و شیلی مطرح بود، طرف‌های اختلاف، پنج نفر از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری را به عنوان اعضای یک نهاد داوری موردی برگزیدند. در مقایسه با طرح موضوع در شعبه دیوان که طرف‌ها می‌توانستند تقریباً شرایطی مشابه نهاد داوری را فراهم آورند، هزینه‌های رسیدگی در داوری چند برابر این هزینه در شعبه دیوان بود.^۲

سرعت رسیدگی به اختلاف در شعبه دیوان در مقایسه با رسیدگی در دیوان را که اغلب سال‌ها به طول می‌انجامد، می‌توان به عنوان یکی از مزایای رسیدگی در شعبه دیوان ذکر کرد. برای مثال، شعبه دیوان که به منظور رسیدگی به اختلاف میان بوركینافاسو و مالی در سال ۱۹۸۵ میلادی تشکیل گردید در سال ۱۹۸۶ رأی خود را صادر کرد.^۳ تسریع در پایان بخشیدن به اختلاف‌های میان دولت‌ها می‌تواند تنش‌ها را در جهان کاهش دهد و جامعه بین‌المللی را به صلح نزدیک‌تر کند. شعب دیوان توانسته‌اند در تفسیر و توسعه اختیارات دیوان با آن همراه شوند. برای مثال، در اتفاق نادری که در قضیه «الزی»^۴ رخ داد، رئیس شعبه دیوان، فردی را که به عنوان «مشاور»^۵ هیئت نمایندگی آمریکا در رسیدگی حضور داشت، به درخواست نماینده ایتالیا به عنوان شاهد قلمداد نمود و او را مورد استنطاق قرار داد و با این اقدام، ماده ۶۵ آیین دادرسی دیوان را توسعه بخشید.^۶ مزایای استفاده از شعب دیوان می‌تواند دولت‌ها را به این سمت هدایت کند که

1. Beagle Channel case, The award in this case is reported in 52 ILR 93 (1979).

2. Valencia-Ospina, Eduardo. Ibid., pp. 507,508.

3. Moore, Andrew F. Ibid., p. 680.

4. Eletttronica Sicula SpA (ELSI) case(1989).

5. Adviser.

6. Rosenne, Shabtai. *The President of the International Court of Justice, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996, p. 415.

توضیح این‌که بر اساس ماده ۶۳ آیین دادرسی دیوان، طرف‌ها تنها می‌توانند افرادی را که به عنوان شاهد در فهرستی که پیش از جلسه استماع به مدیر دفتر دیوان ارائه داده‌اند (ماده ۵۷ آیین دادرسی)، ذکر کرده‌اند، به عنوان شاهد فرا خوانده و تحت نظر رئیس دیوان مورد پرسش و استنطاق قرار دهند. در قضیه مزبور، آقای ایکس که در فهرست اولیه به عنوان مشاور هیئت نمایندگی ایالات متحده آمریکا معرفی شده بود، پس از درخواست نماینده ایتالیا و موافقت رئیس دیوان به عنوان شاهد مورد سؤال و جواب قرار گرفت.

در نوشتن معاهدات آتی خود قید ارجاع اختلاف‌های ناشی از معاهده به شعبه دیوان را در متن معاهده بگنجانند.^۱

۳.۲. انتقادهای و چالش‌های استفاده از شعب در دیوان بین‌المللی دادگستری

نخستین انتقادی که به‌طور گسترده‌ای در خصوص استفاده از شعب خاص در دیوان مطرح شده، این است که تشکیل شعبه از سوی دیوان، جایگاه آن را در حد یک دیوان داورى دائمی داورى متشکل از چند قاضی یا داور که طرف‌های اختلاف، آنها را برای رسیدگی به اختلاف‌های خود برمی‌گزینند، تنزل می‌دهد. این امر منجر به تنزل وجهه دیوان و تزلزل در ثبات ترکیب آن می‌شود و اگر برای مثال رویه‌ای که در قضیه «خلیج مین» از سوی طرف‌ها اتخاذ شد (طرف‌ها اصرار به استفاده از قضاات غربی داشتند)، در پیش گرفته شود، خصیصه جهانی بودن دیوان به مخاطره می‌افتد.^۲ چراکه طرف‌های اختلاف در صورتی که با قضاات انتخاب‌شده از سوی دیوان برای شعبه موافق نباشند، می‌توانند بر اساس مواد ۸۸ و ۸۹ آیین دادرسی دیوان و به‌طور قانونی دعوای خود را مسترد کنند.^۳ در پاسخ به این ایراد که تشکیل شعبه، دیوان را در حد یک نهاد داورى تنزل می‌دهد، سه نکته قابل ذکر است: نخست اینکه برخلاف یک نهاد داورى که اعتبار خود را از طرف‌های اختلاف می‌گیرند، شعبه دیوان و قضاات آن، اعتبار خود را از دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد می‌گیرند.^۴ همچنین، در انعقاد یک موافقت‌نامه ارجاع اختلاف به یک نهاد داورى می‌توان قانون قابل اعمال بر آن اختلاف را تعیین کرد، در حالی که در موافقت‌نامه ارجاع اختلاف به شعبه دیوان، امکان تعیین قانون قابل اعمال بر قضیه وجود نخواهد داشت و این موضوع همواره مشمول ماده ۳۸ اساسنامه دیوان خواهد بود. سومین مورد در خصوص اجرای آرای دیوان به‌وسیله شورای امنیت سازمان ملل متحد است.^۵ از آنجایی که طبق ماده ۲۷ اساسنامه دیوان، آرای صادره از شعبه دیوان به‌منزله آرای صادره از خود دیوان است، عدم اجرای آنها ضمانت اجرای مذکور در منشور را به دنبال خواهد داشت. در

1. Guilds, John C. Ibid., p. 46.
 2. Abi-Saab, Georges. Ibid., p. 9.
 3. Valencia-Ospina, Eduardo. Ibid., pp. 514,515.
 4. Fitzmaurice, Malgosia. Ibid., p. 307.
 5. The Charter of United Nations, art. 94(2).

حالی که حتی اگر نهاد دآوری تماماً از قضات دیوان تشکیل شده باشد، تصمیم‌های آن تابع چنین مقرراتی نخواهند بود.^۱

قاضی «مورزوف»^۲ به تشکیل شعبه دیوان مطابق نظر طرف‌های اختلاف به شدت انتقاد می‌کند. در تمامی شش موردی که شعبه ویژه دیوان تشکیل شده است، انتخاب قضات شعب از سوی دیوان مطابق خواست طرف‌های اختلاف بوده است.^۳ قاضی مورزوف معتقد است که چنین رویکردی، بند نخست ماده ۱۸ آیین دادرسی دیوان را به لحاظ مفهومی تهی می‌سازد. طبق این مقرر، انتخابات تمامی شعبه‌های دیوان با رأی‌گیری مخفی خواهد بود. ماده ۳۲ کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) در خصوص تفسیر معاهدات تصریح می‌کند که تلقی مواد یک سند نباید به صورتی باشد که برخی یا حتی یکی از مواد آن سند بی‌معنا گردد. این انتقاد زمانی پررنگ‌تر می‌شود که با بررسی نحوه تشکیل شعبه در سایر دادگاه‌های بین‌المللی مثل دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان دادگستری اروپا و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها (شعبه اختلاف‌های بستر دریاها) ملاحظه می‌شود که در این دادگاه‌ها، طرف‌های اختلاف نقشی در تشکیل شعبه ندارند.^۴ انتقاد دیگر در خصوص خطر ایجاد ناهماهنگی در رویه قضایی دیوان با توجه به سازمان و ترکیب شعب دیوان است که در نهایت می‌تواند منجر به تجزیه یا «چندپارگی»^۵ شود.^۶ اگر استدلال شعبه دیوان در قضیه «خلیج مین»^۷ را با استدلال دیوان در قضیه «فلات قاره لیبی و مالت»^۸ که چند ماه پس از آن صادر شد، مقایسه گردد، ملاحظه می‌شود که این خطر چندان دور از ذهن نخواهد بود.^۹

1. Zimmermann, Andreas. Ibid., p. 7.

2. Morozov.

3. Mackenzie, Ruth and other. Ibid., p. 11.

در قضیه «خلیج مین»، دیوان علاوه بر پذیرش قضات معرفی‌شده از سوی طرف‌های اختلاف، آقای بیزلی (Beazley) (افسر سابق نیروی دریایی انگلستان و نماینده این کشور در کنوانسیون سوم حقوق دریاها) را که از سوی طرف‌ها به عنوان کارشناس در زمینه مسایل فنی معرفی شده بود، به عنوان کارشناس منصوب کرد (Peat, Daniel. The Use of Court-Appointed Experts by the International Court of Justice, Legal Studies Research, 2014, Paper No. 60, p. 9).

4. Moore, Andrew F. Ibid., pp. 679,696.

5. Fragmentation.

6. Valencia-Ospina, Eduardo. Ibid., p. 521.

7. ICJ Reports, 1984, p. 246.

8. Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta), I.C.J Reports 1985, p. 13.

9. Abi-Saab, Georges. Ibid., pp. 9,10.

انتقاد دیگری که قاضی «شهاب‌الدین»^۱ در خصوص فعالیت شعب دیوان مطرح کرد، به‌طور خاص مربوط به ماده ۱۷ (بند ۴) و ۳۳ آیین دادرسی دیوان می‌شود. طبق این مواد، قضات شعب دیوان حتی در صورت انقضای مدت قضاوتشان در دیوان، می‌توانند به فعالیت خود به عنوان قاضی شعبه در پرونده‌ای که در آن به عنوان قاضی فعالیت می‌کردند، ادامه دهند. قاضی شهاب‌الدین بیان می‌کند که با توجه به این دو ماده می‌توان پرونده‌ای را در شعبه دیوان تصور کرد که رسیدگی آن به وسیله قضاتی انجام شود که هیچ‌یک از آنها در تمام دوران استماع پرونده عضو دیوان نبوده‌اند. آیا ممکن است چنین شعبه‌ای در ذهن تنظیم‌کنندگان اساسنامه دیوان بوده باشد، هنگامی که طبق ماده ۱۷ اساسنامه، رأی صادره از شعبه دیوان به منزله رأی صادره از دیوان قلمداد می‌شود؟^۲ انتقاد دیگری که قاضی «چینگز» در خصوص استفاده از شعب دیوان مطرح می‌کند، این است که قضات شعب دیوان که از میان قضات دیوان انتخاب می‌شوند، همچنان به عنوان قاضی دیوان نیز فعالیت می‌کنند و این واقعیت ممکن است باعث شود که قضاتی که به‌طور همزمان در شعبه دیوان و خود دیوان فعالیت می‌کنند، نتوانند وظایف خود را به‌نحو مناسبی انجام دهند. این مسئله در قضیه «خلیج مین» و به‌ویژه در قضیه «اختلاف مرز دریایی و سرزمینی میان السالوادور و هندوراس» قابل مشاهده است.^۳ این موضوع به‌خصوص هنگامی که رئیس دیوان به‌طور همزمان وظایف ریاست در شعبه دیوان را انجام می‌دهد، بسیار برجسته خواهد بود.

1. Shahabuddeen.

2. Thirlway, H.W.A. *Procedural law and the International Court of Justice*, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings, Cambridge University Press, 1996, p. 393.

3. Jennings, Robert Y. "The International Court of Justice after Fifty Years", *The American Journal of International Law*, 1995, Vol. 89, No. 3, p. 497.

نتیجه‌گیری

دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند در قالب تشکیل شعبه و در پی درخواست طرف‌های یک اختلاف، با تعداد کمتری از قضات خود به قضایای ترافعی رسیدگی کند. شعبه خاص، شعبه اختصاری و شعبه ویژه انواع شعبی هستند که بر طبق اساسنامه و آیین دادرسی دیوان، امکان تشکیل آنها در دیوان وجود دارد. هیچ قضیه‌ای در طول حیات دیوان در قالب شعب خاص و اختصاری رسیدگی نگردید. اما، شعبه ویژه دیوان، پس از اصلاحاتی که در دهه ۱۹۷۰ میلادی در آیین دادرسی دیوان به منظور تشویق دولت‌ها برای مراجعه به شعب دیوان انجام گردید، تاکنون شش بار تشکیل شده است. مواردی از جمله سرعت در رسیدگی، کاهش هزینه‌های دادرسی، نقش طرف‌های اختلاف در تعداد و ترکیب قضات را می‌توان به عنوان مزایای مراجعه به شعب دیوان ذکر کرد.

آمار بیش از صد قضیه مطروح در دیوان در مقابل دعاوی انگشت‌شمار ارجاعی به شعبه دیوان گواه این واقعیت است که دولت‌ها به عنوان مراجعین به دیوان در قضایای ترافعی هنوز آن قدر به شعب دیوان اطمینان نکرده‌اند تا مسائلی را که عمدتاً حول محور منافع ملی آنها مطرح می‌شود، به جای دیوان متشکل از حداقل پانزده قاضی، به شعب متشکل از چند قاضی دیوان بسپارند. برخی موارد لزجمله عدم آشنایی کامل دولت‌ها با اشتغالات شعب و تصور اشتباه دولت‌ها در خصوص عدم توجه کافی و کامل به همه ابعاد قضیه به دلیل سریع بودن رسیدگی در شعب و کم بودن تعداد قضات شعب نسبت به دیوان را می‌توان به عنوان دلایل این بی‌اعتمادی ذکر کرد. به‌علاوه، قیدی که در خصوص امکان مراجعه به شعب دیوان وجود دارد، یکی از مهم‌ترین موانع موجود در خصوص استفاده از این امکان است. تحقق قید «درخواست و موافقت طرف‌های اختلاف در خصوص بررسی اختلاف موجود در شعبه دیوان» اغلب به سختی حاصل می‌گردد و توافق دو دولت در مورد حل اختلاف میان خود به سختی امکان‌پذیر است. بدین ترتیب که در اختلاف‌های موجود میان دولت‌ها، معمولاً خواننده دعوا نمی‌پذیرد که مرتکب نقض تعهدی شده است و طبیعتاً متعاقب این عدم پذیرش، پای میز مذاکره با دولت خواهان نیز نمی‌نشیند. همچنین دولت زیان‌دیده (خواهان) نیز به محض اینکه امکان مراجعه به دیوان را بدست بیاورد، به‌طور یکجانبه به دیوان مراجعه می‌کند و فرصت ایجادشده را با مذاکره‌های طولانی مدت از دست

نمی‌دهد. کما اینکه حتی در برخی موارد، طرح دعوا در دیوان می‌تواند اهرم فشاری قلمداد شود تا دولت متخلف را وادار کند تا خسارت‌های ناشی از عمل متخلفانه خود را جبران کند. همان‌طور که در قضیه «سانحه هوایی سوم ژوئیه ۱۹۸۸ (ایران علیه آمریکا)، طرح دعوای خواهان در دیوان، در اعمال فشار بر دولت خوانده برای پذیرش جبران خسارت‌های وارده نقش مؤثری داشت. از طرفی دیگر، دیوان نیز نمی‌تواند به اختیار خود اقدام به تشکیل شعبه نماید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. بیگزاده، ابراهیم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.

مقاله

۲. تی‌یری، هوبر، *قاضی ویژه در دیوان بین‌المللی دادگستری*، ترجمه: ابراهیم بیگزاده، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۸۳، شماره ۳۰.

ب) منابع انگلیسی

Books

3. Abi-Saab, Georges. *The ICJ as a World Court, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996.
4. Aust, Anthony. *Handbook of International Law*, Cambridge University Press, 2010.
5. Cassese, Antonio. *The International Court of Justice and the right of peoples to self-determination, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996.
6. Fitzmaurice, Malgosia. *Environmental protection and the International Court of Justice, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996.
7. Kwiatkowska, Barbara. *Equitable maritime boundary delimitation As exemplified in the work of the World Court during the Presidency of Sir Robert Yewdall Jennings, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996.
8. Mackenzie, Ruth and Romano, Cesare P. R. and Shany, Yuval and Sands, Philippe. *Manual on International Courts and Tribunals*, Oxford University Press, 2010.

9. Quintana, Juan José. *Litigation at the International Court of Justice: Practice and Procedure*, Koninklijke Brill NV, 2015.
10. Rosenne, Shabtai. *The President of the International Court of Justice, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996.
11. Spiermann, Ole. *International Legal Argument in the Permanent Court of International Justice: The Rise of the International Judiciary*, Cambridge University Press, 2004.
12. Thirlway, H.W.A. *Procedural law and the International Court of Justice, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996.
13. Valencia-Ospina, Eduardo. *The Use of Chambers of the International Court of Justice, Fifty years of the International Court of Justice-Essays in honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, 1996.
14. Wellense, Karel. *Negotiations in the Case Law of the International Court of Justice-A Functional Analysis*, Ashgate Publishing Limited, 2014.
15. Zimmermann, Andreas and Oellers-Frahm, Karin and Tomuschat, Christian and Tams, Christian J. *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, Oxford University Press, 2012.

Articles

16. Crook, John R. "The 2002 Judicial Activity of the International Court of Justice", *The American Journal of International Law*, 2003, Vol. 47, No. 2.
17. Gray, Christine. "The Use and Abuse of the International Court of Justice: Cases concerning the Use of Force after Nicaragua", *The European Journal of International Law*, 2003, No. 14.
18. Guilds, John C. "If It Quacks Like a Duck:" Comparing the ICJ Chambers to International Arbitration for a Mechanism of Enforcement", *Md. J. Int'l L*, 1992, Vol. 16, No. 43.
19. Jennings, Robert Y. "The International Court of Justice after Fifty Years", *The American Journal of International Law*, 1995, Vol. 89, No. 3.
20. Jervan, Marte. "The Prohibition of Transboundary Environmental Harm. An Analysis of the Contribution of the International Court of Justice to the Development of the No-harm Rule", *PluriCourts Research*, 2014, Paper No. 14-17.

21. Mathias, Stephen. "The 2005 Judicial Activity of the International Court of Justice", *The American Journal of International Law*, 2006, Vol. 100, No. 3.
22. Moore, Andrew F. "Ad Hoc Chambers of the International Court and the Question of Intervention", *Case Western Reserve Journal of International Law*, 1992, Vol. 24, Issue. 3.
23. Peat, Daniel. "The Use of Court-Appointed Experts by the International Court of Justice", *Legal Studies Research*, 2014, Paper No. 60.
24. Rosenne, Shabtai. "Decolonisation in the International Court of Justice", *Afr. J. Int'l & Comp. L*, 1996, No. 8.
25. Talmon, Stefan. "The Absent Judge: A Commentary on Article 23 ICJ Statute", *Bonn Research Papers on Public International Law*, 2012, Paper No. 1.
26. Zimmermann, Andreas. "Ad Hoc Chambers of the International Court of Justice", *Penn State International Law Review*, 1989, Vol. 8, No. 1, Article. 2.
27. Zyberi, Gentian. "Taking Rights Seriously Time for Establishing a Human Rights and Humanitarian Issues Chamber at the International Court of Justice", *Journal of Human Rights and Policy*, 2008.